

بسم الله الرحمن الرحيم

## بحران گاز شرق میانه

(ترجمه)

### پرسش

سایت مصر عربی با انتشار خبری به تاریخ ۲۸ آگست ۲۰۱۹م نوشت: «روند نقشه برداری و حفر به شدت جریان دارد، هیچ کسی نمی‌تواند فعالیت‌های ما را متوقف کند، نه در حال حاضر و نه در آینده. این اظهارات رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه بود که دو روز قبل از آغاز کار حفاری برای استخراج گاز شرق بحر متوسط مطرح نمود و با این سخنان‌اش، مصر و قبرص و تحریم‌های اتحادیه اروپا را به چالش کشید.» آیا این بدان معنی است که این دولت‌های چهارگانه بر سر گاز بحر متوسط به جان هم افتاده‌اند؟ و آیا میزان گاز موجود در شرق بحر متوسط تا این حد زیاد است که باعث شروع کشمکش میان دولت‌ها شده؟ و جزاک الله خیراً؟

### پاسخ

بلی، میزان گاز زیاد است و مؤثر و به دلیل این که این میزان گاز در منطقه شرق متوسط قرار گرفته نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. ضمناً کشمکش جاری بر سر این منطقه و گاز آن تنها میان این دولت‌های چهارگانه: "ترکیه، قبرص، اتحادیه اروپا و مصر" نیست، بلکه امریکا، روسیه، دولت اشغال‌گر یهود نیز در آن دخیل‌اند و این که دولت‌های بزرگ و تأثیرگذار جهانی از گاز و کشمکش‌های مربوط به آن، استفاده اقتصادی و سیاسی می‌کنند؛ جزئیات بیشتر قرار ذیل است:

### اول) کشف گاز شرق متوسط و اهمیت آن

۱. کشف ذخایر گاز در منطقه شرق بحر متوسط:

این کشف از سال ۲۰۰۰ آغاز شد، زمانی که شرکت "بریتش گاز" مربوط به شرکت "بریتش پترولیوم" چاه "غزه مارین" در ۳۶ کیلومتری سواحل غزه کشف نمود که تخمین زده می‌شود، نزدیک به یک تریلیون قدم مکعب گاز در این چاه وجود داشته باشد. سپس در ماه جنوری ۲۰۰۹م، چاه "تمارا" کشف شد که بر اساس تحقیقات جیولوجیکی حدوداً نزدیک به ۱۰ تریلیون قدم مکعب گاز دارد و این چاه در مسافت ۹۰ کیلومتری سواحل شمال فلسطین اشغالی موقعیت دارد و ۱۶۵۰ متر زیر سطح بحر قرار گرفته. در همین سال بود که چاه "افرودیت" در فاصله ۱۸۰ کیلومتری سواحل جنوب غرب قبرص و در عمق ۱۷۰۰ متری زیر سطح بحر کشف گردید که میزان گاز موجود در آن به حدود ۹ تریلیون قدم مکعب گاز طبیعی تخمین زده می‌شود. در سال ۲۰۱۲م چاه "لیفیاتان" کشف شده که مقدار گاز احتمالی در آن به ۱۷ تریلیون قدم مکعب تخمین زده می‌شود و در ۱۳۵ کیلومتری سواحل شمال فلسطین اشغالی و در نزدیکی شهر حیفا موقعیت دارد و عمق آن به ۱۶۰۰ متر زیر سطح بحر می‌رسد.

در سال ۲۰۱۵م چاه "ظهر" در سواحل مصر کشف شد، چاهی که توسط شرکت "اینی" ایتالیا کشف گردید و بزرگ‌ترین چاه گاز در بحر متوسط به شمار می‌رود. این چاه در حدود ۲۰۰ کیلومتر از سواحل شهر بورسعید مصر فاصله دارد و مجموع گاز موجود در آن مطمئناً به ۳۰ تریلیون قدم مکعب می‌رسد. شرکت "اینی" پیشبینی نموده که در سال جاری ۲۰۱۹م، ۲٫۵ میلیارد قدم مکعب گاز از این چاه استخراج خواهد نمود که این مقدار گاز در حدود ۴۰٪ مجموع گاز تولیدی مصر را تشکیل می‌دهد. شرکت اینی ایتالیا پس از کشف این چاه، در اوایل سال جاری از کشف چاه جدید گاز در نزدیکی سواحل مصر به نام چاه "نور" خبر داد که در بحر متوسط و در فاصله ۵۰ کیلومتری شمال سیناء موقعیت دارد. بر اساس ارزیابی‌های صورت گرفته توسط هیأت تحقیقاتی جیولوجیکی امریکا در سال ۲۰۱۰م، احتمالاً در حدود ۱۲۲ تریلیون م<sup>۳</sup> "مترمکعب" منابع گازی در حوضه شرق متوسط و در سواحل سوریه، لبنان، رژیم بیهود، مصر و قبرص وجود دارد که هنوز کشف نگردیده، به علاوه نزدیک به ۱۰۷ میلیارد بشکه نفت قابل استخراج. بناءً طوری که ملاحظه نمودید؛ این عملاً یک ثروت فوق العاده عظیم است.

۲. اهمیت سرمایه‌گذاری گاز در شرق بحر متوسط:

این اهمیت تنها به کشف گاز بر نمی‌گردد، بلکه به موقعیت جیوپولیتیکی این منطقه وسیع نیز بر می‌گردد که همانا منطقه خاور میانه است، منطقه‌ای که در حدود ۴۷٪ ذخایر نفت و ۴۱٪ ذخایر گاز جهان را در خود جای داده. قرار گرفتن این منطقه در تقاطع آسیا، اروپا و آفریقا در سواحل بحر متوسط و متصل بودن آن به راه‌های بزرگ تجارت جهانی از طریق تنگه‌های سوئیس، بوسفور و جبل طارق نیز به اهمیت آن افزوده. با کشف شدن چاه‌های گاز فوق‌الذکر، آرزوهای دولت‌های واقع در سواحل شرق بحر متوسط بالا گرفت، اشتباهی شرکت‌های نفت و گاز بازتر شد و شعله‌های رقابت منطقه‌ای را بالای این منابع دامن زد و در عین حال، توجه قدرت‌های جهانی را نیز به جذب سرمایه بیشتر و مرحله جدید کشف‌های احتمالی جلب نمود.

## دوم) دولت‌های درگیر بر سر گاز شرق متوسط

۱. دولت‌های واقع در سواحل بحر متوسط

الف) قبرص ترکیه-قبرص یونان: قبرص ترکیه به این باور است که سرمایه‌های این جزیره سهم تمام ساکنین آن می‌باشد و درست نیست این سرمایه‌ها بدون سهم دادن به یک بخش از جزیره به مصرف رسد، اما قبرص یونان از این مسئله چشم‌پوشی نموده و منطقه خالص اقتصادی (Exclusive Economic Zone EEZ) را برای خود مرزبندی نمود و به این ترتیب سرمایه‌گذاری گاز را در سال ۲۰۱۰م برای خود اختصاص داد. این اقدام باعث شد قبرص ترکیه در واکنش به اقدام مشابه دست‌زد؛ طوری که مرزهای بحری خود را مشخص نمود. «ترکیه به تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۱م توافق نامه‌ای را برای ترسیم سواحل بحری با شمال قبرص امضاء نمود.» (منبع: سایت احوال ترکیه ۸ نومبر ۲۰۱۸م) در نتیجه این اقدامات بود که مناطق مشخص شده توسط دو طرف "قبرص ترکیه و قبرص یونان" با هم تداخل نمود، «بنابر این جمهوری شمال قبرص خواستار حق خویش در مناطق مختلفی شد که قبرص یونان آن را در سال ۲۰۱۰م برای خودش ترسیم نموده بود.» (منبع: ترک پرس ۱۱ جولای ۲۰۱۹م)

ب) اتحادیه اروپا: اولویت اروپا این است که امنیت انرژی اش تأمین شود و منابع وارداتی و راه‌های آن متنوع باشد، به ویژه با توجه به نوسان روابط اروپا-روسیه و فشار تحریم‌های امریکا در جریان سال‌های اخیر. گاز شرق بحر متوسط در حفظ این معادله نقش داشته و وابسته‌گی کامل اروپا به گاز روسیه را کاهش می‌دهد، به ویژه دولت‌های شرق و جنوب اروپا. به این ترتیب به نظر می‌رسد اروپا از طریق بعضی دولت‌های وابسته به خود، مانند قبرص بخش یونان و خود یونان و هم چنین توسط شرکت‌های حفاری چاه‌های نفت و گاز در این معادله حضور دارد.

ج) ترکیه: ترکیه عضویت معاهده سازمان ملل برای قانون بحری را ندارد، معاهده‌ای که بر اساس آن مناطق بحری مشخص می‌گردد. یکی از دلایل عدم عضویت ترکیه در این معاهده، کشمکش ترکیه با یونان در بحر ایجه است. ترکیه به این باور است که منطقه خالص اقتصادی که قبرص یونان برای خود ترسیم نموده با سواحل ترکیه و منطقه خالص اقتصادی مربوط به آن تداخل دارد، هر چند این مسأله رسماً اعلان نگردیده. ترکیه با استناد به این مسائل، توافق نامه‌های را که قبرص جانب یونان برای ترسیم منطقه خالص اقتصادی خویش با مصر، دولت یهود و لبنان امضاء نموده به رسمیت نمی‌شناسد و به این باور است که راه اندازی مناقصه‌ها برای شرکت‌های بیگانه جهت جستجو و حفاری برای گاز در این مناطق غیر قانونی می‌باشد، زیرا حقوق انقره را نادیده می‌گیرد. اردوغان در سخنرانی که به مناسبت ۱۸ سالروز تأسیس حزب عدالت و توسعه در انقره پایتخت ترکیه برای طرفداران این حزب حاکم داشت گفت «ما توسط کشتی‌های ترکیه در شرق متوسط حضور داریم و نیروهای بحری ما این کشتی‌ها را حمایت می‌کنند. اردوغان تأکید نمود که ترکیه فعالیت‌های حفاری اش را، که توسط جمهوری شمال قبرص ترکیه به آن اجازه داده شده، ادامه می‌دهد». (منبع: صوت امارات ۲۴ اگست ۲۰۱۹م)

د) دولت اشغال‌گر یهود: کشف پی در پی این منابع گازی به رژیم یهود کمک می‌کند از وابسته‌گی به مصر رهائی یابد، چنان‌که خلای بزرگی را در بخش انرژی از این رژیم پر می‌کند. منافع یهود به این حد خلاصه نمی‌شود، بلکه گاز اینک در محاسبات اشغال‌گران تبدیل به ابزاری سیاسی و امنیتی و سلاح فعال سیاسی شده که از آن برای عادی سازی روابط با شماری از دولت‌های عربی در منطقه، به ویژه مصر، لبنان، حکومت فلسطین و اردن استفاده می‌شود. هم چنین، «اسرائیل» با یونان، قبرص و ایتالیا به توافق رسیده تا خط لوله گازی را به هزینه شش میلیارد یورو و «۶٫۸» میلیارد دلار از «اسرائیل» به دولت‌های سه گانه بکشد». (منبع: شروق نیوز ۲۵ نومبر ۲۰۱۸م). دلیل آن این است که اروپا سعی دارد منابع انرژی اش را متنوع سازد.

ه) مصر: گاز برای نظام حاکم در مصر تنها اهمیت اقتصادی ندارد، بلکه اهمیت برتر آن برای این نظام، این است که در سایه نداشتن رسمیت داخلی و عدم برخورداری از حمایت مردمی از آن به صفت ابزاری برای تثبیت و استحکام پایه‌های حکومت خویش و کسب رسمیت منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده می‌کند و به این ترتیب، مردم مصر از دسترسی و استفاده درست از سرمایه‌های سرزمین خویش محروم مانده‌اند. مصر، دولت یهود، قبرص، یونان، ایتالیا، اردن و فلسطین در اوایل سال جاری از تشکیل "شورای گاز بحر شرق متوسط خبر دادند، «در ماه جنوری سال جاری هر یک از مصر، "اسرائیل"، قبرص، یونان، ایتالیا، اردن و فلسطین از شهر قاهره اعلان نمودند که ساختاری را زیر عنوان "شورای گاز شرق متوسط" تشکیل داده‌اند. ترکیه، لبنان، سوریه و قبرص شمال ترکیه از عضویت در این شورای مستثنا شده‌اند، با وجود آن که این‌ها دولت‌هایی هستند که در حواشی حوض شرق بحر متوسط موقعیت دارند». (منبع: خلیج آن لاین ۱۵ جنوری ۲۰۱۹م).

و) دولت‌های دیگری نیز هستند که در سواحل بحر متوسط موقعیت دارند، اما از تأثیر چندان‌ی برخوردار نیستند، «سوریه با وضعیتی که در حال حاضر دارد، لبنان هرچند توافق‌نامه‌هایی را با شماری از شرکت‌های فرانسه‌وی، ایتالیایی و روسی امضاء نموده، اما هنوز آغاز به کار نکرده و ممکن است به دلیل مداخله‌هایی دولت یهود بیشتر به تأخیر افتد و حکومت خودگردان فلسطین».

۲. دولت‌هایی که در سواحل بحر متوسط قرار نگرفته اند:

الف) امریکا: امریکا به این منطقه با دید وسیع‌تر و با در نظر داشت اولویت‌های خود در خاور میانه نگاه می‌کند، اولویت‌هایی که معمولاً مربوط به ضمانت تداوم جریان انرژی و حمایت از رژیم یهود می‌باشد. ایالات متحده توسط شرکت‌ها و مزدوران خویش در این منطقه حضور دارد. هم‌چنین با توجه به افزایش روز افزون صادرات گازمیع منطقه به اروپا، ممکن است دیدگاه امریکا در مورد گاز این منطقه در آینده تغییر کند.

ب) روسیه: هرچند گاز شرق بحر متوسط به صفت بدیل گاز روسیه مطرح نیست و هیچ مزاحمتی نیز به آن ندارد، اما مسکو قصد دارد با حضورش در هر نوع پروژه‌گازی که به عنوان مکمل و یا بدیل مطرح باشد، احتکار بازار اروپا را تضمین کند تا مبادا تأثیرات منفی روی این بازار گذارد و این دقیقاً هدفی است که روسیه دنبال می‌کند. بدون شک مسکو در کشمکش بر سر گاز در شرق بحر متوسط عملاً حضور دارد؛ در لبنان از طریق شرکت‌های اکتشافی گاز خویش، در قبرص یونان و یونان از طریق تمویل مالی و در سوریه از طریق حضور نظامی و توافقات دو جانبه.

### سوم: استفاده از گاز در کشمکش‌های مؤثر اقتصادی و سیاسی میان دولت‌ها

۱. اتحادیه اروپا: یونان، قبرص و رژیم یهود به تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۱۸م اعلان نمودند که حاضر اند پروژه خط لوله گاز طبیعی از شرق بحر متوسط به اروپا را که توسط ایالات متحده پشتیبانی می‌گردد ادامه دهند. این پروژه که (EastMed) نام دارد، گاز طبیعی را از بحر میان فلسطین اشغالی و قبرص و از طریق یونان به بازار اتحادیه اروپا انتقال می‌دهد. انتظار می‌رود این خط در حدود ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی را از طریق یونان و ایتالیا به اتحادیه اروپا انتقال دهد. بدون شک هدف اروپا از این کار؛ متنوع کردن واردات گاز طبیعی‌اش به دور از گاز روسیه است. پروژه (EastMed) به زودی ۱۰-۱۵٪ نیاز اتحادیه اروپا به گاز طبیعی را مرفوع خواهد نمود و به این ترتیب؛ اتحادیه اروپا موفق خواهد شد منابع انرژی خویش را متنوع نماید و روسیه نفوذ ناشی از بهای گاز خویش بر این اتحادیه را از دست خواهد داد. احتمالاً اتحادیه اروپا در جریان چند سال آینده تلاش کند قیمت‌های بازار گاز را که همواره با نوسان در حال افزایش بوده، کاش دهد.

۲. این از جانب اروپا، اما از جانب امریکا می‌دانیم که ایالات متحده با اعمال تحریم‌هایی بالای روسیه و همپیمانان آن، به ویژه آلمان، روسیه را زیر فشار گرفت تا خط لوله "نورد استریم-۲" را متوقف نماید، زیرا امریکا به این باور است که این پروژه، گاز روسیه را به عمق اروپای غربی می‌رساند و این به روسیه فرصت می‌دهد بالای سیاست خارجه اروپا نفوذ بیشتری پیدا کند و فرصت خواهد یافت از انرژی به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بالای هر دولتی استفاده کند. بنائاً ایالات متحده با تمام توان سعی دارد اتحادیه اروپا را وادار کند گاز مایع طبیعی را به جای روسیه از ایالات متحده خریداری کند و منابع انرژی خویش را از این طریق متنوع سازد

و با امریکا با این کار فضای رقابتی را ایجاد نمود. شکی نیست که این کار بالای پروژه "۲ Nord Stream جریان شمالی-۲" تأثیر خواهد گذاشت، پروژه‌ای که شامل ساخت دو خط گاز از طریق بحر بالتیک تا آلمان و با انرژی مجموعی سالانه معادل ۵۵ میلیارد متر مکعب گاز. این در حالی است که برخی دولت‌های مخالف در برابر این پروژه قرار گرفته اند، مانند اوکراین و ایالات متحده امریکا» (منبع: سبوتنیک نیوز ۱ اپریل ۲۰۱۹م).

۳. رقابت‌ها و کشمکش‌ها بر سر منابع گاز طبیعی میان ایالات متحده و روسیه افزایش یافته و در عین حال اتحادیه اروپا، به صفت قدرتی بزرگ متشکل از ۲۸ دولت و با نفوسی معادل حدوداً ۵۱۲ میلیون، بازاری مهم برای صادرکننده گان انرژی در سراسر جهان تلقی می‌گردد، به ویژه در مورد گاز طبیعی. به همین دلیل است که روسیه مدت‌هاست به این اتحادیه توجه داشته و به عنوان مصدر و منبع برتر صدور گاز طبیعی به بازار اروپا مطرح بوده. اینک امریکا وارد این میدان شده و سعی دارد با افزایش میزان صادرات گازهای طبیعی امریکا موسوم به (LNG)، به عنوان ساده ترین و با امن ترین گاز در روند ذخیره و انتقال، روسیه را در این میدان به چالش کشد. اما از آن جایی که گاز امریکا به دلیل زحمت فراوانی که روند مایع سازی و انتقال آن لازم دارد، نسبت به سایر انواع گاز انتقالی توسط خطوط لوله و منابع انرژی آن، هزینه هنگفتی را می‌طلبد. اما در صورتی که قیمت‌ها بر اساس رقابت جریان یابد، ممکن است گاز امریکا بتواند در تأمین گاز اتحادیه اروپا نقش روز افزونی را بازی کند، که خود خطری احتمالی برای روسیه خواهد بود. امریکا عملاً این کار را آغاز نموده؛ چنانچه در اکتوبر ۲۰۱۸م حجم گاز مایع طبیعی را که ایالات متحده به اروپا صادر نمود، در حدود ۲۴٪ مجموع تولید آن را تشکیل می‌داد، در حالی که در سال ۲۰۱۷م صادرات گاز امریکا به اروپا تنها در حدود ۱۰٪ از مجموع تولید آن را تشکیل می‌داد و این نخستین سالی بود که امریکا به صفت صادرکننده گاز ظاهر شد. حجم واردات گاز اتحادیه اروپا از امریکا در ماه‌های نخست سال ۲۰۱۹م به حدود ۱۳٪ رسید و به این ترتیب امریکا تبدیل به سومین منبع واردات گاز اتحادیه اروپا شد و دلیل آن، افزایش میزان تولید از منابع نفت شنی امریکا بود.

۴. خلاصه این که با تسلط روسیه بالای تأمین گاز بازار اتحادیه اروپا و وابسته‌گی بزرگ این بازار به آن، اینک نیاز به متنوع نمودن منابع انرژی اروپا برجسته تر گردیده و به همین دلیل است که اتحادیه اروپا به حمایت‌اش از پروژه EastMed و متنوع نمودن منابع وارداتی گاز طبیعی خویش توجه بیشتر دارد، تا وابسته‌گی خود به گاز روسیه را، که زیر تحریم‌های شدید امریکا قرار گرفته، کاهش دهد، به ویژه پس از کاهش تولید گاز بحر شمال. در عین حال امریکا قصد دارد بالای بازار اروپا تسلط پیدا کند و این کار را با تحریک نمودن دولت‌های اتحادیه اروپا برای خریداری گاز مایع طبیعی از ایالات متحده به جای روسیه انجام می‌دهد و به همین دلیل است که این پروژه "۲ Nord Stream جریان شمالی-۲" را مستقیماً مختل می‌کند، پروژه‌ای که روسیه را از طریق بحر بالتیک به اروپا پیوند می‌دهد.

۵. به این ترتیب؛ دیده می‌شود که منطقه خاورمیانه، که در اصل منطقه اسلامی است، الله سبحانه و تعالی آن را با ذخایر هنگفت پترول و گاز و سایر منابع و معادن مورد لطف و عنایت خویش قرار داده، اما کسانی که از آن بهره می‌برند همانا کفار استعمارگر و دولت یهود است که سرزمین مبارک فلسطین را به اشغال خود در آورده. آنها اقتصاد شان را با این سرمایه تقویت می‌کنند و توسط آن کارخانه‌ها و بازارهای شان را به حرکت در می‌آورند. چیز ناچیزی هم از آن به حکام مزدورشان می‌رسد که آن را تبدیل به سرمایه شخصی خویش می‌کنند، در حالی که این سرمایه و مال عام مردم است و نه اشغال‌گران!

بدون شک امت اسلامی مسؤولیت شرعی دارد برای کنار زدن و تغییر این حکام ظالم، که کفار استعمارگر را بالای منابع و سرمایه‌های ما مسلط نموده اند تا آن را به تاراج برند، حرکت نموده و سعی و تلاش به خرج دهند، تا باشد که امت اسلامی از این تنگ دستی و محرومیت از سرمایه‌های خودش بیرون آید و دیگر مانند حیوانی به سر نبرد که از شدت تشنگی در صحرا جان دهد در حالی که محموله آب بر پشت آن قرار دارد.

قطعاً کسانی که در برابر ظالمان سکوت نموده و در راستای کنار زدن آنان با اخلاص به الله سبحانه و تعالی و صداقت با رسول اش صلی الله علیه وسلم، سعی و تلاش نمی کنند، هرگز از پیامدهای این سکوت خویش در امان نخواهند بود. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَأَنْقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾

**ترجمه:** و بترسید از بلایی که چون آید تنها مخصوص ستمکاران شما نباشد (بلکه ظالمان و مظلومان همه را فرا گیرد) و بدانید که عقاب الله بسیار سخت است.

ظالم به دلیل ظلم خویش و کسی که در برابر ظلم سکوت نموده به دلیل سکوت خویش و نگرفتن دست ظالم محسبه شده و گرفتار بلا خواهد شد.

﴿إِن فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾

۲ محرم ۱۴۴۱ هـ.ق

۱ سبتمبر ۲۰۱۹ م

مترجم: عبدالله دانشجو